

حکمت هنر معنوی



■ غلامرضا اعوانی
■ نشر گروس

کتاب شامل مقالاتی است در زمینه: ارتباط عقل و وحی در اسلام و مسیحیت، تشیع و تصوف، اولیاءالله در مثنوی مولوی، ترجمه ماللهند، مقدمه کتاب اعلام النبوه ابوحاتم رازی، تفکر فلسفی در اسلام، مسئله وجود در مکتب ابن عربی، تناقضات مکتب اصالت نسبیت، برگسون و نیچه در تفکر اقبال، دین و فلسفه در قرون وسطی و رنسانس، موسیقی هندی، رقص شیوا.

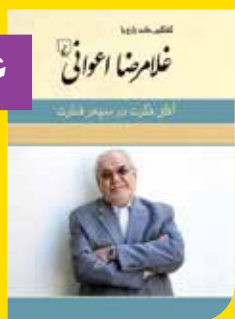
سالک حکمت



■ شهید اعوانی
■ موسسه حکمت و فلسفه

کتاب حاضر، پنجمین شماره از «مجموعه مفاخر حکمت و فلسفه ایران» است که ارجح نامهای در مورد «دکتر غلامرضا اعوانی» است. مقالات فارسی این ارجح نام که با نوشته‌های از «دکتر سیدحسین نصر»، «استاد راهنمای «دکتر اعوانی» در دوره دکتری فلسفه دانشگاه تهران، آغاز می‌شود، در ۱۰ بخش تدوین شده است.

آفاق فکرت در سپهر فطرت



■ حامد زارع
■ انتشارات ققنوس

این کتاب گفت‌وگوی حامد زارع با غلامرضا اعوانی، روایت سادگی‌ها و پیچیدگی‌های زندگی فکری غلامرضا اعوانی و فرازوفرودهای تفکر حکمی اوست، تفکری که منتقد جدایی علم از حکمت و حتی دین از حکمت است. این کتاب گفت‌وگوهای چندین ساله زارع با اعوانی است که در چهار فصل نوشته شده است. اعوانی مدرس حکمت است و به عقیده او حکمت در معنای خاص، همان فلسفه است اما تفاوت در این است که حکمت فلسفه‌ای ایرانی است.

با ایشان صحبت کنند. یکی از ایشان به زبان عربی پرسش‌هایی را از حضرت استاد مطرح کرد و پاسخ شنید، دیگری به آلمانی، یکی به فرانسه و تعدادی نیز به انگلیسی. استاد بی هیچ درنگی با هر یک با همان زبان گفت‌وگو و مباحث را تبیین می‌کرد که موجب حیرت اساتید مذکور شد و یاد افتاد که مرحوم استاد صلاح الصاوی رحمه‌الله علیه به درستی استاد اعوانی را «خدای هفت زبان» نامیده بود.

شاید کسانی که استاد دکتر اعوانی را می‌شناسند، همیشه ایشان را در عداد سنت‌گرایان یا به عبارت درست‌تر منادیان حکمت خالده برشمارند. در این باره باید عرض کنم که استاد دکتر اعوانی شایسته‌ترین کسی است که می‌توان منادی حکمت خالده بودن را در این سرزمین بدو بخشید. از آنجا که استاد دکتر اعوانی همیشه حقیقت را بر هر چیز دیگری ترجیح داده، باید اذعان بدارم که تعلق ایشان نسبت به حکمت خالده و حکمت دینی، شیفتگی و سرسپردگی به فرد یا افراد یا یک گروه و دسته نیست، بلکه تعهد نسبت به حقیقت است و بس. حقیقتی که حضرت رسول اکرم صلوات‌الله علیه و آله و اوصیای معصوم ایشان، منادی آن بودند. حکمت خالده و منادیان آن نه یک تشکل سیاسی‌اند نه یک جنبش نوپدید معنوی و نه در عداد فرق قرار می‌گیرند و نه در شمار مسلک‌ها و ایدئولوژی‌های بشر ساخته. حکمت خالده در حقیقت همان حکمتی است که حضرت حق جل شأنه به پیامبرانش بخشید و چونان روحی در کالبد همه ادیان الهی حضور دارد و همیشه حکمای ادوار آن را چونان گمشده‌ای می‌جستند. حکمتی که سلیمان نبی علی نبینا و علیه‌السلام منادی آن بود. همان حکمتی که کلمات گهربار حضرت مولی‌الموحدين و ائمه معصومین سلام‌الله و صلواته علیهم اجمعین آن را شرف ظهور می‌بخشید و تشنگان حقیقت را سیراب می‌گرداند. نه می‌توان و نه می‌شود که این حکمت را از دین قیم و دین حنیف و دین فطرت که خداوند گل ما را با آن سرشته است، جدا کرد. این همان حکمتی است که خداوند متعال حضرت ابراهیم صلوات‌الله علیه را بدان مزیّن ساخت تا ملکوت آسمان‌ها و زمین را ببیند. هیچ یک از حکمای خالده معاصر از مرحوم عبدالواحد یحیی (رنه گنون)، عیسی نورالدین احمد (فریتیهیوف شوئون) تا استاد دکتر سیدحسین نصر مدعی‌ای آوردن یک مکتب جدید یا آیینی نو را نداشته‌اند. اینها حکمایی هستند که در کشور ما و میان معاصرین هنوز به خوبی شناخته نشده‌اند. کسانی که همین مجله را خوانده‌اند بر این ادعای بنده مهر تأیید می‌زنند. وقتی یکی از نزدیک‌ترین شاگردان حضرت استاد جناب آقای دکتر سیدحسین نصر مدعیاتی را نسبت به ایشان و دیگر منادیان حکمت خالده نسبت می‌دهد، یا دیگری که بعید می‌دانم حتی یک کتاب از ایشان را خوانده باشد، با توهمین و تمسخر و از سر تیخت و اختیال هر آنچه شایسته خودش بود به اهل حکمت خالده نسبت می‌دهد، دیگر نیازی به آوردن دلیل برای این ناشناختگی نیست. یا در جایی می‌بینی که هنری کربن یا ایزوتسو و میرچیا الیاده را در شمار ایشان قرار و از طریق بافتن شطح و طامات و استدلال‌هایی سست و بی‌مایه جریانی سرشار از حماقت سیاسی را بدان نسبت می‌دهند و بعد نتیجه می‌گیرند که بله! نصر چنین است و سنت‌گرایی چنان! یا عزیزی - که الحمدلله بالاخره چشمش به حقیقت گشوده شد - با ارجاع به کتابی که یک نفر مغرض با حمایت مالی وهابیون عربستان، و برای پیشگیری از گسترش نظرگاه حکمت خالده در مصر و برای تخریب و تزییع حکمای خالده نوشته بود، سعی در تبیین و نقد افکار ایشان می‌کرد؛ اینها خود بهترین دلیل بر نشناختن حکمت خالده است.

کسانی که محضر استاد را درک کرده‌اند، شاید بتوانند بر میزان تسلط ایشان بر نکات حکمی و عرفانی صحه بگذارند. نکاتی که فقط استادی در شأن و مقام دکتر اعوانی می‌تواند آن را دریابد و به زبانی فصیح اهلیت‌یافتگان را از آن بهره‌مند کند. به گواهی مرحوم استاد علامه سیدجلال‌الدین آشتیانی، قدس‌الله سره العزیز، رموز و تعقیدات متون حکمی و رسالات عرفان نظری چیزی نیست که با درس و بحث گشوده شود و تا توفیقات و فیوضات الهیه و واردات قلبیه و استعداد قوایل نباشد، ممکن نیست سر سوزنی بهره‌مندی نصیب شود.

در صدر نوشتار اشاره کردم که با یک جمله می‌توان گفت سیدنا الاستاد حکیمی هستند در مقام احسان. اهل نظر می‌دانند که مقام احسان مقامی است که در آن انسان عبادت نمی‌کند خدای را، مگر او را ببیند. «اعبدالله کانک تراه». بنده این را با قطعیت می‌گویم که حضرت استاد دکتر اعوانی جامع مقاماتی هستند که در حدیث معروف احسان منقول است. مسلمانی مقید به شرع و احکام الهی، مؤمنی که وجودش چونان آینه‌ای است در برابر حضرت مؤمن، و محسنی که مصداق «من اسلم وجهه لله فهو محسن» است. سوگند به پیشگاه الهی که هر ذره وجود این بزرگ مرد، ذکر و تسبیح حضرت حق است، «قیاماً و قعوداً و علی جنوبیه» و دائم در تفکر «الذین یتفکرون فی خلق السماوات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا».

یادم هست زمانی از جلسه‌ای که در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شده بود برمی‌گشتم و حقیر افتخار داشتم که در معیت استاد باشم، رادیوی خودرو روشن بود و قاری بزرگ مصری استاد مصطفی اسماعیل رحمه‌الله علیه سوره مبارکه قارعه را تلاوت می‌کردند. لحظه‌ای دیدم که حضرت استاد آن چنان با دقت گوش جان را به تلاوت سپرده‌اند، تو گویی قرآن دارد به قلب ایشان نازل می‌شود. پس از اتمام تلاوت، فرمودند که در کودکی قرآن را نزد ابوی معظم‌شان آموخته‌اند و در مسجد محل به عنوان مؤذن و قاری شناخته می‌شدند. بعد از الحان و دستگاه‌های قرآنی سخن گفتند و یاد از اساتیدی کردند که بنده تا آن هنگام حتی نامشان را نشنیده بودم. استاد محمود محمود، استاد محمد رفعت، و تعدادی دیگر که به یادم نمانده است. سپس از مرحوم صلاح الصاوی شاعر و نویسنده عرب که در انجمن فلسفه بود و با علاقه نوارهای تلاوت اسانید مصری را گردآوری و شاگردانی را تربیت کرده بود گفتند. همچنین می‌فرمودند که چگونه با دشواری و نبود امکانات، وقتی که با استاد دکتر ویلیام جیتیک هم‌اتاق بودند، به ضبط تلاوت‌های قرآنی از رادیو می‌پرداختند.

با یک جمله می‌توان گفت سیدنا الاستاد حکیمی هستند در مقام احسان. اهل نظر می‌دانند که احسان مقامی است که در آن انسان عبادت نمی‌کند خدای را، مگر او را ببیند. «اعبدالله کانک تراه». بنده این را با قطعیت می‌گویم که حضرت استاد دکتر اعوانی جامع مقاماتی هستند که در حدیث معروف احسان منقول است

روزی با سرور عزیزم آقای دکتر فغفوری، توفیق حضور در محضر حضرت آیت‌الله جناب آقای دکتر محقق داماد دامت توفیقاته را در ساختمان جدید فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران یافتیم و پیش از ما حضرت استاد دکتر اعوانی نیز در آنجا بودند و گفت‌وگویی درباره قرآن کریم درگرفته بود و استاد نکات تفسیری دقیقی را متذکر می‌شدند و به برخی لغات و معانی ژرف آنها و سابقه آن لغات در ادبیات عرب؛ روایات و احادیث مروی از ائمه طاهرین در تفسیر کلام الهی و مبادی حکمی هر یک اشاره می‌کردند. بنده مطلع بودم که آقای دکتر محقق داماد هیچ‌گاه بی‌مناسبت و از سر تعارف از کسی تعریف نمی‌کنند، ولی در آن جلسه اذعان داشتند که جداً تسلط دکتر اعوانی بر مباحث تفسیری قرآن کریم بی‌بدیل است.

در کنگره بین‌المللی بزرگداشت هشتادمین سالگرد میلاد مولانا در ترکیه، پس از اقامه نماز جماعت در یکی از مساجد استانبول، جمعی از اساتید به گرد استاد دکتر اعوانی حلقه زدند و از آنجا که ایشان به ترکی مسلط نبودند، هر یک سعی داشتند با زبانی دیگر